

بازتاب نمایش فیلمی با بازی لیلا حاتمی در کن

«تیم گریپرسون» منتقد نشریه اسکرین درباره فیلم «تصور» ساخته اولین ساخته بلند علی بهراد با بازی لیلا حاتمی نوشت.

به گزارش سایت خبری پرسون، «تیم گریپرسون» منتقد نشریه اسکرین در بخشی از یادداشت درباره فیلم «تصور» پس از نخستین نمایش در بخش هفته منتقدان جشنواره کن می‌نویسد:

"این فیلم روایت مرموز دو شخصیت است که زندگی‌شان تنها در طول تاکسی‌سواری شبانه‌شان در تهران تلاقی پیدا می‌کند، «تصور» بیننده را تشویق می‌کند تا هوای اسرارآمیز داستان را در آغوش بگیرد و به طرز بازیگوشانه‌ای از افشای دقیق آنچه در حال روی دادن است، امتناع می‌کند.

علی بهراد، نویسنده و کارگردان، یک زن (لیلا حاتمی) و یک راننده تاکسی (مهرداد صدیقیان) را به مخاطب معرفی می‌کند که هیچ نامی ندارند و سپس آنها را در طول چندین تصویر دنبال می‌کند، که ظاهراً هر مواجهه آنها با یکدیگر به عنوان یک شروع مجدد بین آنها عمل می‌کند. در واقع، عنوان فیلم دعوتی است از مخاطب برای خلق معنای شخصی خود از روایت داستان و به این ترتیب «تصور» چیزی فراتر از یک مراقبه زودگذر در مورد عشق و اشتیاق نیست.

چیزی که به خصوص در مورد این فیلم جذاب است، فرصتی است که برای پر کردن جاهای خالی به مخاطب داده شده است.

این درام به عنوان بخش مستقل هفته منتقدان در کن به نمایش گذاشته شد و لیلا حاتمی (بازیگر فیلم برنده اسکار جدایی) در نقش زن ناشناسی ایفای نقش کرده که راننده تاکسی با بازی مهرداد صدیقیان را مجذوب خود می‌کند. مطالعه نقدهای این فیلم می‌تواند به ایجاد آگاهی درباره این فیلم کمک کند، اما فیلم «تصور» ممکن است برای جذب مخاطب گسترده در اکران عمومی با چالش‌هایی رو به رو باشد.

فیلم در شب آغاز می‌شود، جایی که راننده تاکسی، مسافر زنی را سوار می‌کند که به تازگی برادرش را از دست داده است. آنها شروع به صحبت در مورد زندگی و روابط می‌کنند، که الگویی را برای ادامه فیلم تعیین می‌کند. زن بارها و بارها وارد تاکسی او می‌شود و به او اطلاع می‌دهد که چه خبر است. مدت زمان بین موجه مجدد آنها هرگز مشخص نمی‌شود، همچنین مشخص نیست که آنها فراتر از این سواری‌های شبانه چقدر در مورد یکدیگر می‌دانند یا حتی نام یکدیگر را می‌دانند یا خیر.

وقایع فیلم لحنی رویاگونه دارد که این حس را ایجاد می‌کند که واقعاً آنچه در حال تماشای آن هستید رخ نمی‌دهد و چند سکانس فانتزی آشکارا این حس را به مخاطب منتقل می‌کند، اما در جاهای دیگر کارگردان نعمداً از قراردادهای روایی متعارف که به جهت دهی بیننده در داستان کمک می‌کند، اجتناب می‌کند. در یک برخورد، زن بخشی از یک گروه موسیقی است که می‌خواهند بار دیگر کنار هم جمع شوند. در دیگری، او به سمت فرودگاه می‌رود تا برای مسابقه تیراندازی با کمان برود، در موقعیت بعدی او همسرش را پیش از مراسم ازدواج رها کرده و دفعه بعد او با ترس بارداری روبروست. این ناپیوستگی واضح هرگز توسط شخصیت‌ها یا فیلمساز تصدیق نمی‌شود که به این فیلم حس آزادی یا ره‌اشدگی خاصی می‌دهد.